

زنی تنها؛ فروغ فرخزاد و اشعارش

نوشته: مایکل هیلمن

ناشر: انتشارات سه قاره و انتشارات میج

واشنگتن دی، سی، ۱۹۸۷،

۱۸۱ صفحه.



A LONELY WOMAN

by: Michael C. Hillmann

An Original Co - Publication

Three continents press and Mage Publishers

در حله نخست، اهمیت این اثر شاید از این نظر باشد که اولین کتابی است به زبان انگلیسی که با تحقیق نسبتاً جامعی در زندگانی فروغ فرخزاد و تفسیر اشعاری چند از او، در این رابطه به یک شاعر معاصر ایرانی اختصاص یافته است. کتاب زنی تنها به پنج فصل با عنوانهای زیر تقسیم شده: «از تولد تا طغیان»، «از تولدی دیگر تا مرگ»، «اولین صدای مؤنث ایران»، «شعر فارسی که زندگی است» و «بیک زندگی ایرانی که شعر بود».

اولین فصل کتاب تاریخچه‌ای است از زندگانی فروغ فرخزاد از طفولیت تا زمانی که شاعر روش کار خود را از شعر سنتی به شعر نو تغییر داد. در این فصل، مؤلف گوشه‌هایی از زندگی شاعر را به خصوص در رابطه با پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده‌اش مورد بحث قرار داده و سعی می‌کند پرتوی از دوران کودکی او را در اشعارش نشان دهد. مؤلف موقعیت و روابط فروغ فرخزاد را با پدر و شوهرش تجزیه و تحلیل می‌نماید و به این نتیجه می‌رسد که آنها هر کدام به صورتی کوشش داشتند شخصیت فروغ را به دلخواه خود شکل بدهند.

نویسنده، اولین مجموعه اشعار فرخزاد یعنی «اسیر» را بدین ترتیب توصیف می کند: «در این اشعار تصاویری که از طبیعت الهام پذیرفته اند چنین به نظر می آیند که جزئی از دنیایی باشند که در آن تنها عشق و آنچه عاشقی تلویح می نماید اهمیت یا وجود دارند» (صفحه ۱۶). به عقیده مؤلف، فروغ فرخزاد در مجموعه دوم اشعارش یعنی «دیوار» نیز کمابیش دنباله موضوعات و مفاهیم قبلی را ادامه می دهد. به عبارت دیگر: «لحظات و امیال عشقی، شکوه های عاشقانه و از این قبیل موضوعات اصلی» این دفترند به طوری که اشعار مجموعه «دیوار» حالات عاطفی طبیعی یک زن ایرانی را بازتاب می نمایند که در موقعیتی همانند این شاعر قرار دارد» (صفحه ۲۹).

در مجموعه «طفیان»، به عقیده مؤلف، تغییر قابل ملاحظه ای در کار فروغ فرخزاد دیده می شود بدین دلیل که اولاً در چند شعر اشاراتی به «عهد عتیق، قرآن مجید و تصویرسازی ادبیات سنتی فارسی که در اشعار قبلی به چشم نمی خوردند بافت جدیدی را در اشعار فرخزاد ایجاد می نمایند»؛ ثانیاً «گوینده مؤنث اشعار گاهگاه نگرانی خود را از مرگ بیان می دارد» و ثالثاً «به طور کلی این مجموعه دارای محتوای خشم خیم در ترجمه رباعیات عمر خیام، اثر ادوارد فیتز جرالده را به یاد می آورد» (صفحه ۳۴). به نظر مؤلف «احساسات و حالاتی که در این مجموعه بیان شده... به صورتی بازتاب بدبینی به خصوص بسیاری از شعرای نوگرا در مقابل شرایط اجتماعی و سیاسی» در دوران بعد از مصدق و قبل از انقلاب اسلامی ایران است. (صفحه ۳۵).

در فصل دوم زنی تنها، مؤلف زندگانی و اشعار فروغ فرخزاد را به خصوص از دیدگاه شعر او به عنوان آئینه ای در برابر زندگی شخصی و اجتماعی شاعر مورد بررسی قرار می دهد. در ضمن فعالیتهای فروغ فرخزاد در عرصه فیلمسازی و تئاتر و به خصوص روابطش با ابراهیم گلستان تقریباً نیمی از این فصل را به خود اختصاص داده اند. در نیمه دیگر این فصل با تجزیه و تحلیل چند شعر منجمله «به علی گفت مادرش روزی»، «ای مرز پر گهر»؛ «آیه های زمینی» و «کسی که مثل هیچکس نیست» موضع شاعر در مقابل جو سیاسی و اجتماعی ایران در آن دوره - به خصوص واکنش او در مقابل جو خفقان آوری که برای زنان وجود داشته و نیز آزادی های سطحی ای که به وجود آمده بود - مورد بحث قرار گرفته است. در پایان این فصل، پروفیسور هیلمن با اشاره به اینکه فرخزاد درست قبل از مرگش در نظر داشت ترجمه ای از نمایشنامه معروف برنارد شاو تحت عنوان «سنت جوان» را تهیه و شخصیت اصلی آن را در صحنه تئاتر ایفا کند، بر آن است که شاید فروغ فرخزاد موقعیت اجتماعی خود را در ایران مشابه با ژاندارک می دانست و می نویسد: «ممکن است بسیاری از خوانندگان و آشنایان زن و مرد فرخزاد که چنین واکنش منفی ای در مقابل زندگی و اشعار او از خود نشان دادند در

مقایسه با هنرمندی برتر او، شجاعت برتر او که سعی داشت به دلخواه خود زندگی کند و عقل سلیم بی پرده‌اش... که خواستار تغییر و تحول در جامعه ایران نسبت به طرز برداشت از رفتار با زنان بود ناخود آگاه احساس خجلت زدگی و حقارت می کردند.» (صفحه ۷۰)

در فصل سوم کتاب، فروغ فرخزاد به عنوان اولین شاعر ایرانی که به دنیای خود از دیدگاه یک زن نگاه کرد، مورد بحث قرار می گیرد. با تفسیر اشعاری چون «گناه»، «جمعه»، «جفت» و «عروسک کوچکی»، نویسنده دیدگاه فروغ فرخزاد را از نظر موقعیت زن در ایران تجزیه و تحلیل می کند و اهمیت این شاعر را در مقایسه با دیگر شاعران زن ایرانی به خصوص پروین اعتصامی در این می داند که فرخزاد در اشعار خود با جامعه «مردسالار» ایران به مبارزه پرداخته و بر خلاف پروین اعتصامی تسلیم قیود و محتوای سنتهای شعری که ساخته و پرداخته مردان بوده نگردیده است.

در چهارمین فصل کتاب، پس از مروری کوتاه در ادبیات و نویسندگان ایران بعد از جنگ جهانی دوم پروفسور هیلمن می نویسد: «نهایتاً باید گفت که بسیاری از نویسندگان ادبی آن زمان کمتر از فروغ فرخزاد کاملاً به هنر به طور کلی و ادبیات به طور اخص متعهد بودند» و ادامه می دهد، «منظور این است که چون برای فرخزاد، هنرش آئینه و راهی بود به سوی معرفت‌النفس... نتیجتاً او زندگانی خود را در آن (شعرش) ریخت. هنر او شعر فارسی است که زندگی است، زندگانی خود او، به صورتی که هیچ اثر ادبی فارسی در هیچ دوره‌ای چنین نبوده است.» (صفحه ۱۰۸).

در این راستا نویسنده با تفسیری از اشعار «تولد دیگر»، «دل‌م برای باغچه می سوزد»، «پنجره» و بالاخره «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» کوشش دارد این مطلب را به اثبات برساند که شعر فرخزاد از لحاظ بازتاب کردن زندگی او در ادبیات فارسی منحصر به فرد است. در آخرین فصل کتاب، با اشاره به مطالبی که در مجلات و روزنامه‌های ایران پس از درگذشت فروغ فرخزاد به چاپ رسیده بود، مؤلف می نویسد که مرگ فروغ فرخزاد «باعث شد تا آنان که قبلاً زندگی شخصی این شاعر مورد پسندشان نبود نظرشان عوض بشود. انگار که او دیگر جزای «گناهانش» را با زندگی اش پرداخته بود و در مرگ دیگر نمی توانست رسوم سنتی را به مبارزه طلبیده یا تهدید نماید» (صفحه ۱۳۳).

پروفسور هیلمن در این فصل از کتاب زنی تنها به خصوص مشاهدات کلی شخصی خود را درباره زندگانی فروغ فرخزاد به عنوان یک زن و یک شاعر در جو جامعه ایران ارائه می دهد. با این مشاهدات، نویسنده از یک طرف به فضای «مردسالاری» جامعه‌ای که فرخزاد در آن

متولد شد و زندگی کرد و مرد متعرض است و از طرف دیگر بر این عقیده است که در ایران به دلایل مختلف پرداختن به زندگی شخصی شاعران و نویسندگان قابل پسند نبوده و در نتیجه در خلال تحقیق در زندگانی فروغ فرخزاد متوجه این نکته شده که اغلب آشنایان و بستگانش از افشای حقایق مربوط به زندگی شخصی این شاعر و دیگر شاعران و نویسندگان ابا دارند. پروفیسور هیلمن می‌نویسد: «در میان عوامل مهم فرهنگی که سهمی در ایجاد کمبود تجسس‌های جدی در مورد زندگی شخصی» افراد در ادبیات فارسی داشته یکی احساس حمایتی است که در مردان در مورد زنان وجود دارد. دومین عامل به عقیده نویسنده عامل دوستی است «به خصوص از جانب منتقدان جوان‌تر» در مورد شخصیت‌های ادبی بنام. عامل دیگر به نظر نویسنده یک عامل سیاسی است یعنی نویسنده یک زندگینامه ممکن است ترس آن را داشته باشد که آنچه او می‌نویسد می‌تواند عواقب ناخوشایندی برای خود او یا شخصی که زندگی‌اش موضوع نوشته اوست به وجود آورد. آخرین عاملی که نویسنده کتاب زنی تنها در این باره ذکر می‌نماید عبارت از عامل «مردم» است یعنی بسیاری از ایرانیان احساس می‌کنند که مسائل شخصی و خصوصی را نباید در ملاءعام مطرح کرد و بدین سبب «تقریباً تمام نویسندگان دوره بعد از مصدق و قبل از انقلاب اسلامی، با دقت، فواصل قابل لمس و آشکاری را میان شخصیت خود و راویان، قهرمانان و شخصیت‌های شعری خود به وجود آورده‌اند. (صفحه ۱۵۲).

گرچه کتاب مورد بحث در باره زندگانی و اشعار فروغ فرخزاد است ولی باید متذکر شد نویسنده سعی کرده دید خود را حتی‌الامکان با طرز فکر جنبش «آزادی زنان» که در کشورهای مختلف مطرح است وفق دهد.

از نظر برداشتهای نویسنده در مورد زندگانی و اشعار فروغ فرخزاد و به خصوص مشاهدات کلی او در باره فرهنگ و تاریخ ایران و نیز مطالبی مربوط به زندگینامه‌نویسی و یا مطرح کردن شعر فرخزاد منحصراً به عنوان شعری به زندگی شخصی شاعر مربوط است و اینکه آثار دیگر شاعران و نویسندگان ایرانی به زندگی شخصی آنها مربوط نمی‌شود. ممکن است بسیاری از خوانندگان و صاحب‌نظران، با نویسنده کتاب اختلاف عقیده جدی داشته باشند ولی قدر مسلم این است که کتاب زنی تنها موضوعاتی را مطرح می‌نماید که شاید بسیاری از منتقدان ایرانی به دلایل مختلف به آن نمی‌پردازند. به عبارت دیگر، اگر بپذیریم که کتاب پیشگفته حاوی مطالب و اشاراتی است به حرفه‌هایی که شاید وقت زدنشان رسیده باشد، زنی تنها قدمی است به سوی کنکاش‌هایی اساسی‌تر از این قبیل در آینده.